



اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن عدوهم

ایمان ابوطالب (علیه السلام) علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره)

نام کتاب: ایمان ابوطالب (ع)

نویسنده: علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره)

موضوع: حضرت ابوطالب (ع)

فارسی

تعداد جلد: ۱

ایمان ابوطالب علیه السلام

مقدمه

در مجمع البیان در ذیل آیه "ثم لم تکن فتنتهم الا ان قالوا..." می‌گوید: فتنه در اینجا به معنای معذرت است، و بر طبق همین معنا روایتی هم از امام صادق (ع) نقل شده. [۱]. در تفسیر قمی در ذیل جمله: "و هم ینهون عنه و یناون عنه..." گفته است که بنی هاشم همواره رسول خدا را یاری کرده و قریش را مانع می‌شدند از اینکه به آن جناب آسیب رسانند، و در عین حال: "یناون عنه - از او دوری نموده و ایمان نمی‌آوردند" [۲]. مؤلف: مضمون این روایت قریب به مضمون روایتی است که از عطا و مقاتل نقل شده که: مراد از این آیه ابوطالب عموی رسول خدا (ص) است، زیرا وی قریش را از آسیب رساندن به رسول الله (ص) باز می‌داشت، و در عین حال از آن جناب و از ایمان به او هم دوری می‌کرد. [۳]. و لیکن سیاق این آیه با این مطلب سازگار نیست، برای اینکه ظاهرش این است که ضمیر به قرآن برمی‌گردد، نه به رسول الله، علاوه بر اینکه روایاتی که از ائمه اهل بیت (ع) در خصوص ایمان ابوطالب وارد شده، بسیار زیاد است.

روایات و شواهدی در مورد ایمان جناب ابوطالب

در مجمع البیان می‌گوید: اجماع اهل بیت (ع) بر ایمان ابوطالب به ثبوت رسیده، و اجماع آنان حجت است، برای اینکه آنان یکی از دو ثقلی هستند که رسول الله امت را امر به تمسک به آن دو کرده و فرموده است: "ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا - مادامی که تمسک کنید به آن دو، هرگز گمراه نمی‌شوید". [۴]. روایت عبدالله عمر هم دلالت بر این معنا دارد، که ابوبکر در روز فتح مکه پدرش را که در آن ایام مرد نابینائی بود نزد رسول الله آورد. حضرت فرمود: چرا این پیر مرد را زحمت دادی؟ به من می‌گفتی من خود نزد او می‌رفتم؟ ابوبکر عرض کرد: خواستم تا خداوند اجر و ثواب به او مرحمت کند، به خدائی که تو را به حق مبعوث کرد من آن روزی که ابوطالب اسلام آورد بیشتر خوشحال بودم تا امروز که پدرم اسلام می‌آورد، منظورم خوشحالی و خشنودی و روشنی چشم شما است، حضرت فرمود: راست می‌گوئی. [۵]. طبری هم به سند خود روایت کرده که وقتی رؤسای قریش حمایت ابوطالب را از رسول الله (ص) دیدند نزد وی اجتماع کرده گفتند: ما عماره بن ولید را که زیباترین و سخی‌ترین و شجاع‌ترین جوانان قریش است آورده‌ایم که به تو واگذارش کنیم و تو در عوض برادرزاده‌ات را که باعث تفرقه جماعت ما شده و عقاید ما را خرافات و سفاهت دانسته به ما واگذار کنی تا او را بکشیم. ابوطالب فرمود: شما با من انصاف نکردید، فرزندان را به من می‌دهید تا آب و نانم دهم و من فرزند خود را به شما واگذار کنم تا او را بکشید؟ انصاف اینست که شما قریش هم از هر خانواده یک فرزند از فرزندان خود را به من واگذار کنید تا بکشم، آنگاه گفت: معنا الرسول رسول الملک بیض تلالا کلمع البروق اذ ودوا حمی رسول الملک حمایه حام علیه شفیق [۶]. و کلمات و اشعاری که از او نقل شده و دلالت بر اسلامش می‌کند بسیار و بی‌شمار و همه مشهور است، از آن جمله این شعر است: الم تعلموا انا وجدنا محمدا نبیا کموسی خط فی اول الکتاب الیس ابونا هاشم شد از ره و اوصی بنیه بالطعان و بالضرب [۷]. و نیز از آن

جمله، این دو بیت است که از ابیات قصیده او است: و قالوا لا حمد انت امرؤ خلوف اللسان ضعیف السبب الا ان احمد قد جائهم بحق و لم یاتهم بالكذب [۸]. و از آن جمله این چند بیت است که آن جناب در ضمن اشعاری که در باره داستان عهد نامه قریش و معجزه رسول الله (ص) سروده است: و قد کان فی امر الصحیفه عبره متی ما یخبر غائب القوم یعجب محّا الله منها کفرهم و عقوقهم و ما نقموا من ناطق الحق معرب و امسی ابن عبدالله فینا مصدقا علی سخط من قومنا غیر معتب [۹]. و نیز از آن جمله این چند بیت از قصیده‌ای است که وی در تحریک برادرش حمزه بر پیروی رسول خدا (ص) و صبر در اطاعتش سروده است: صبرا ابا یعلی علی دین احمد و کن مظهرا للدين وفقت صابرا فقد سرنی اذ قلت انی مؤمن فکن لرسول الله فی الله ناصرا [۱۰]. و این بیت از قصیده دیگر اوست: اقیم علی نصر النبی محمد اقاتل عنه بالقنا و القنابل [۱۱]. و همچنین این چند بیت است که در آن نجاشی را بر یاری رسول الله (ص) تحریک می‌کند: تعلم ملوک الحبش ان محمدا وزیر لموسی و المسيح بن مریم اتی بهدی مثل الذی اتیا به و کل بامر الله یهدی و یعصم و انکم تتلونہ فی کتابکم بصدق حدیث لا حدیث المرجم فلا تجعلوا لله ندا و اسلموا و ان طریق الحق لیس بمظلم [۱۲]. و نیز از آن جمله این چند بیت است که در دم مرگ به عنوان وصیت سروده است: اوصی بنصر النبی الخیر مشہدہ علیا ابنی و شیخ القوم عباسا و حمزۃ الاسد الحامی حقیقتہ و جعفران یذودوا دونه الناسا کونوا فدی لکم امی و ما ولدت فی نصر احمد دون الناس اتراسا [۱۳]. و از این قبیل ابیات در قصائد مشہور آن جناب و وصیت‌ها و خطبه‌هایش آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم همه را در اینجا نقل کنیم کتاب طولانی می‌شود. [۱۴]. و عمده دلیل کسانی که می‌گویند ابو طالب اسلام نیاورده بعضی از روایاتی است که از طریق عامه در این باره نقل شده، و در قبال آن روایات اجماع اهل بیت (ع) و بعضی از روایات دیگر از طریق خود عامه و اشعاری که از آن جناب نقل شده همه دلالت بر اسلام وی دارند، تا ببینی اشخاص کدام یک از این دو قول را اختیار نموده و کدام یک از این دو دلیل را ترجیح دهند.

پاورقی

[۱] مجمع البیان ج ۳ ص ۳۰ ط بیروت.

[۲] تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۹۶.

[۳] مجمع البیان ج ۳ ص ۳۶ ط بیروت.

[۴] مجمع البیان ج ۳ ص ۳۶ ط بیروت.

[۵] مجمع البیان ج ۳ ط بیروت.

[۶] رسول را که فرستاده خدای مالک عالم است با شمشیرهایی که چون شعاع برق تلالؤ دارد از گزند دشمنان حفظ نمودیم، آری، من دفع می‌دهم و حمایت می‌کنم از رسول آن خدائی که مالک عالم است و این حمایت حمایت کسی است که به وی شفیق و مهربان است. تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۲۶ ط مصر.

[۷] مگر نمی‌دانید که ما محمد (ص) را پیغمبری یافتیم مانند موسی، همان پیغمبری که در کتب آسمانی اسمش برده شده؟ مگر ما را نمی‌شناسید و نمی‌دانید که پدر ما هاشم، خود آماده دفاع از چنین فرزندی بود و وقتی هم که موفق بدیدارش نشد فرزندان خود را وصیت کرد به ضرب و طعن در برابرش.

[۸] به احمد (رسول الله) می‌گویند تو مرد دروغگوئی هستی، و برای پیش بردن مرام خود وسیله‌ای در دست نداری، و لیکن احمد (رسول الله) مرد دروغگوئی نیست، بلکه به حق به سوی آنان فرستاده شده است.

[۹] در داستان صحیفه (عهدنامه‌ای که قریش امضا کردند و در آن متعهد شده بودند که به تمام معنا با رسول خدا (ص) قطع رابطه کرده و حتی یک حبه گندم به وی و خاندانش نفروشدند) عبرت عجیبی است، زیرا پس از گذشتن سه سال، رسول خدا (ص) با اینکه آن صحیفه را ندیده بود از آن خبر داد که چه بر سرش آمده: خداوند تمامی کلماتش را محو نموده است، و این خود باعث شد که همه ما او را در دعوتش تصدیق کنیم، و دشمنان هم در عین اینکه سینه‌هایشان از خشم می‌ترکید نتوانند علیه او اعتراض، یا احتجاجی کنند.]

[۱۰] صبر کن ای ابا یعلی (حمزه) بر دین احمد و برای دین پشتیبان و شکیا باش، خدا توفیقت دهد آندم که گفتی من ایمان آورده‌ام مرا شاد کردی پس برای پیغمبر خدا در راه خدا ناصر و یاور باش.

[۱۱] پایداری خواهم داشت در یاری محمد پیغمبر و برای دفاع از وی با نیزه و اسبان (یا مردان نیرومند) مقاتله خواهم کرد.

[۱۲] بدان ای پادشاه حبشه که محمد وزیر موسی و مسیح است، به سوی مردم با هدایت آمده چنانکه آن دو پیغمبر با هدایت آمده بودند و همه‌شان به امر خدا رهبری و نگهداری می‌کنند و تحقیقا شما نام او را به راستگوئی - نه به دروغ - در کتابتان می‌خوانید پس برای خدا شریک قرار مدهید و اسلام بیاورید و اصلا راه حق تاریک نیست.

[۱۳] وصیت می‌کنم به یاری پیغمبر نیک محضر، پسر علی را و شیخ قوم عباس را و شیر حمایت کننده حمزه را و جعفر را که از وی در سختی دفاع کنند، مادرم و آنچه زائیده، فدای شما باد، در یاری احمد در مقابل مردم سپهرائی باشید.

[۱۴] تفسیر مجمع البیان ج ۳ ص ۲۸۷.

سایت جامع سربازان اسلام

www.sarbazaneislam.com

جهت حمایت از ما در صورتی که ما را قبول دارید ، ما را [لینک](#) کنید

لینک یا خامنه ای ، لینک یا حسین (ع) است